



## زمینه ها و پیامدهای جنگ و مقاومت ملی در لبنان

### زمینه ها

در سال ۱۹۸۲ میلادی، در هنگامه ورود ارتش اشغالگر اسرائیل به لبنان - که در عرض یک هفته به بیروت رسیده بود، مقاومت گروه کوچکی از جوانان مسلمان شیعه لبنانی وابسته به سازمان "امل" مانع ورود نیروهای مهاجم اسرائیلی به نواحی جنوبی بیروت شد و توجه جهانیان را به خود جلب کرد. با گسترش نفرت و امکانات این هسته اولیه در سالهای بعد، گروه یاد شده " حزب الله لبنان " نام گرفت . در پی شهید شدن سید عباس موسوی رهبر پیشین حزب الله، به دست جوخه های ترور رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۱، سید حسن نصرالله دبیر کلی حزب الله را عهده دار شد و پس از آن، امنیت نیروهای اشغالگر بیش از پیش در معرض هجوم و خطر قرار گرفت . سرانجام، در سال ۲۰۰۰، پس از ۱۸ سال حضور نیروهای اسرائیلی در لبنان، با فروپاشی افسانه و اسطوره شکست ناپذیری اسرائیل ، ارتش متجاوز مجبور به خروجی خفت بار از لبنان شد و پس از نیم قرن، برای نخستین بار، ملت های منطقه نشانه های شکست را در سیمای سیاستمداران رژیم صهیونیستی دیدند. این پیروزی ملت لبنان در سال ۱۹۸۴ با بازگشت اسیران لبنانی رنگ و بویی خوشتر گرفت و این مردم رنج دیده از رویدادهای تلخی چون کشتار گسترده آوارگان فلسطینی میهمان آنان در اردوگاههای صبرا و شتیلا شاهد ورود عزیزانشان پس از سالها تحمل اسارت در زندانهای اسرائیل شدند، اگر چه همه اسیران آزاد نشده بودند. به دنبال صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد - که تاکید بر خلع سلاح حزب الله داشت - در عصر روزی که گفته می شد توافقی مهم و مشروط در این زمینه میان نخست وزیر لبنان و حزب الله - یعنی تغییر کسوت نظامی حزب الله از میلیشیای محلی به ارتش ملی پس از تخلیه مزارع شبعا به وسیله نیروهای اسرائیلی - صورت گرفته بود، رفیق حریری در یکی از پیچیده ترین صحنه های ترور سیاسی

جهان در ساحل بیروت از صحنه معادلات منطقه حذف می شد. ابتکار سیاسی حزب الله - که به گفته سید حسن نصرالله، همه امور مهم و راهبردی آن به صورت شورایی و با برخورداری از فعالیت‌های تشکیلاتی قوی صورت می گیرد - در تشکیل میتینگ ۱/۵ میلیون نفری در قلب بیروت و در حمایت از یکپارچگی ملی لبنانیان، به میزان زیادی آثار منفی این ترور حساب شده، ولی مبهم و مشکوک، را خنثی کرده، قسمت اعظم نقشه توطئه گران نقش بر آب شد.

## توطئه جدید اسرائیل

بن بست سیاسی حاکم بر رژیم نژادپرست اسرائیل - که خود را با روند تشکیل دولت و کشور مستقل فلسطینی و غرق شده در امواج مردم فلسطین می دید - نیاز به مانع شکنی داشت. تحمل ۱۸ ماه آتش بس با نیروهای حماس و حزب الله برای نیروهای نظامی همواره در تحرک اسرائیلی بسیار سنگین بود. در نخستین گام برای برون رفت از بن بست، سواحل غزه بر اثر موشک باران کور ناوچه های اسرائیلی به خون نشست و غیرنظامیان بیگناه در هنگام گذراندن تعطیلات تابستانی جانشان را ناباورانه در برابر دیدگان بازماندگان آن جنایت از دست دادند. در پی تلافی نیروهای حماس در اسیرکردن یک سرباز اسرائیلی، ارتش اسرائیل با یورش گسترده به دولت منتخب فلسطینیان تعداد زیادی از وزیران و سیاستمداران دولت حماس را به اسارت برد و دفتر نخست وزیری را منفجر کرد.

پس از بروز این رخدادها، حزب الله لبنان، ناکام از بازپس گیری بقیه اسیرانش در سال ۲۰۰۴ و شاهد ادامه تجاوزات رژیم اسرائیل در فلسطین و جنوب لبنان، در عملیاتی محدود به اسیر کردن دو سرباز اسرائیلی در ۶ ژوئن ۲۰۰۶ مبادرت کرد و این آغازی برای درگیریهای چندجانبه اسرائیل با نیروهای حزب الله - و در واقع، با ملت لبنان - در مرز، شهرها، و روستاها و پناهگاه ها بود.

## حمله اسرائیل به لبنان

رژیم اسرائیل، با بهره برداری از فضای مساعد، در راستای برنامه های راهبردی آمریکا در منطقه برای تشکیل خاورمیانه جدید، برخوردار از کمک های از پیش هماهنگ شده غرب و وعده فتح زود هنگام لبنان و با هدف تحریک افکار عمومی مردم لبنان علیه حزب الله، بمباران شهرهای لبنان و نقاطی که آنها را مواضع حزب الله در روستاها مینامد از زمین، هوا و دریا از سر گرفت و با ویران کردن زیر ساخت های اقتصادی لبنان به کشتار مردم غیر نظامی پرداخت و فجایعی چون کشتار روستای قارنا را برای چندمین بار مرتکب شد.

در طول ۳۳ روز جنگ ویرانگر در لبنان، در حالی که افکار عمومی جهان خواستار توقف کشتار وحشیانه مردم بی گناه بود، دولت زورگوی آمریکا، با بهره گیری از حق وتو، از تصویب قطعنامه‌ای درباره آتش بس فوری و بی قید و شرط در شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری کرد و در نتیجه، جنگ و کشتار ادامه یافت تا شاید هدفهای اسرائیل در حمله به لبنان تحقق یابد. در جنگ لبنان، بنا بر اظهارات رسمی آمریکاییان، بیشتر کشته شدگان اسرائیلی نظامی و برعکس، بیشتر جان باختگان لبنانی غیر نظامی بوده اند. به باور اکثر ناظران بیطرف بین المللی، حاصل شش سال تجهیز و تدارک ملی و منطقه ای حزب الله بر محصول نزدیک به شصت سال تدارک و تجهیز بین المللی ارتش اسرائیل - آنهم در بالاترین سطوح نظامی مطرح در جهان - غلبه کرد. سرانجام، برای نجات اسرائیل از باتلاق لبنان، قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت درباره قطع بمباران شهرهای لبنان از سوی اسرائیل - در برابر پایان یافتن موشک باران شمال اسرائیل از سوی حزب الله، صادر شد.

## محورهای اصلی قطعنامه ۱۷۰۱

۱- نخستین و فوری‌ترین بند قطعنامه توقف عملیات نظامی یا آتش بس است. تداوم حملات نظامی اسرائیل به لبنان نه تنها دستاوردی برای اسرائیل نمی‌داشت، بلکه به دلیل واکنش‌های شدید جهانی به زیان بیشتر آن دولت می‌انجامید. از این رو، صدور قطعنامه و برقراری آتش بس راه محترمانه خودداری اسرائیل از ادامه عملیات بی‌فایده نظامی بود. از سوی دیگر، ادامه حملات نظامی اسرائیل به لبنان برای حزب الله نیز زیان آور بود. بنابراین، آتش بس به سود حزب الله نیز تمام می‌شد.

۲- آزادی دوسرباز اسرائیلی اسیر در لبنان

۳- خلع سلاح حزب الله و ممنوعیت تداوم تدارک و تجهیز نظامی غیر دولتی در لبنان.

این بند در واقع تکراری بر مفادی از قطعنامه های ۴۲۵ (۱۹۷۸)، ۴۲۶ (۱۹۷۸)، ۵۲۰ (۱۹۸۲)، ۱۵۵۹ (۲۰۰۴)، ۱۶۵۵ (۲۰۰۶)، ۱۶۸۰ (۲۰۰۶) و ۱۶۹۷ (۲۰۰۶) و ۱۶۹۷ (۲۰۰۶) بعلاوه همه بیانیه‌های رئیس شورای امنیت درباره اوضاع لبنان، به ویژه بیانیه‌های ۱۸ ژوئن ۲۰۰۰، ۱۹ اکتبر ۲۰۰۴، ۴ مه ۲۰۰۵، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۶ و ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶ است. (برگرفته از بند اول قطعنامه ۱۷۰۱)

البته خلع سلاح حزب‌الله یا پیوستن نیروهای مسلح آن به ارتش لبنان هنگامی قابل اجرا خواهد بود که اسرائیل شبعا را به طور کامل تخلیه کند، اسرای دو طرف مبادله شوند و میان دولت لبنان و حزب‌الله بر سر پایان دادن به خطرات خارجی توافق صورت گیرد. نخست وزیر و وزیر دفاع لبنان بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند. حزب‌الله نیز در سالیان اخیر بارها بر تخلیه کامل لبنان از اشغالگران - خروج اسرائیلیها از شبعا - به عنوان پیش‌شرط پایان دادن حزب‌الله به اقدامات مسلحانه و تبدیل به یک حزب سیاسی سخن گفته است .

۴- ایجاد خط حایل به عمق حدود ۲۰ کیلومتر در خاک لبنان، در حاشیه جنوبی رود لیتانی

البته باید توجه داشت که ایجاد منطقه حائل با کمک نیروهای سازمان ملل (موسوم به یونیفل) و ارتش لبنان مانع تردد و سکونت دائم نیروهای حزب‌الله - که به واقع شهروندان عادی و دارای کار و پیشه در آن منطقه هستند- نخواهد شد .

۵- پذیرفتن اصل مذاکره در زمینه آزاد سازی بقیه لبنانیان به اسارت گرفته شده در سالهای دهه ۸۰ و دهه ۹۰ میلادی و این که برای تخلیه کامل مزارع شبعا اسرائیل باید با دولت لبنان مذاکره کند.

## پیامدهای جنگ ۳۳ روزه

۱- اسرائیل از طریق جنگ به دو هدف اصلی و اعلام شده‌اش - که آزادی دو سرباز اسرائیلی و خلع سلاح حزب‌الله بود - نرسیده است. با آن که هر دو خواست اسرائیل در قطعنامه آمده است، هر دو مورد نیاز به آمادگی‌ها و فراهم کردن مقدماتی دارد. بنابراین، می‌توان گفت که این جنگ برای اسرائیل دستاوردی نداشته است.

۲- حملات نظامی گسترده اسرائیل، اگرچه خرابی‌ها و تلفات عظیمی برای مردم لبنان داشت، نتوانست مردم لبنان را علیه حزب‌الله بشویراند. البته ممکن است که در دوره آرامش پس از جنگ برخی از گروههای سیاسی، که هیچگاه روابط خوبی با حزب‌الله نداشته‌اند، تلفات انسانی و خرابیهای ناشی از حملات نظامی اسرائیل را بهانه‌ای برای حمله به حزب‌الله قرار دهند. اما تا زمانی که شبعا تخلیه نشود و مبادله اسیران جنگی صورت نگیرد، حزب‌الله خلع سلاح نخواهد شد. و از سوی دیگر، در صورتی که شبعا آزاد گردد و حزب‌الله نیز با پذیرش خلع سلاح به یک حزب سیاسی تبدیل شود، این دو رویداد به عنوان دستاوردهای جنگ ۳۳ روزه برای مردم لبنان تلقی شده، تبلیغات تهاجمی علیه حزب‌الله را بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد ساخت .

۳- جنگ ۳۳ روزه یک شکست سیاسی - اقتصادی برای دولت اسرائیل به شمار می‌رود و بی‌تردید یک تلاطم سیاسی - روانی برای اسرائیل پدید آورده است که آثار درازمدت خواهد داشت.

این درحالی است که مقاومت دلاورانه حزب‌الله در برابر تهاجمات جنایتکارانه اسرائیلی یک پیروزی سیاسی برای حزب الله - نه‌تنها در لبنان، بلکه در میان اعراب و مسلمانان - رقم زده است. بنابراین، قدرت حزب‌الله نه‌تنها کاهش نیافته بلکه افزایش پیدا کرده است.

۴- بنابر دلایل زیر، جنگ یادشده بر فلسطینیان و روابط میان اسرائیل و فلسطین نیز بی‌تأثیر نبوده است.

۱ - دولتمردان اسرائیلی به ضرورت اجتناب ناپذیر دستیابی به یک توافق عام و جامع با فلسطینیان بیش از پیش توجه پیدا کرده‌اند. برخی از مقامات اسرائیلی تصریح کرده‌اند که اسرائیل نه‌تنها باید از غزه کاملاً خارج شود، بلکه باید شهرک‌های یهودی نشین در کرانه غربی رود اردن را نیز تخلیه کند.

۲ - دولت فلسطین (به رهبری حماس) و رئیس‌حکومت خودگردان فلسطین (محمودعباس) در پی مذاکرات گسترده و فشرده با تمام گروه‌های سیاسی فلسطینی به توافقهایی دست یافته‌اند. حماس، به عنوان دولت، آمادگیش را برای ادامه یافتن مذاکرات صلح، در چارچوب های تصویب شده به وسیله شورای ملی و دولت سابق فلسطین، و پیگیری اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرده است.

## جمع بندی

نهضت آزادی ایران بر پایداری و تلاش دلیرانه نیروی مقاومت لبنان، پیشتر در عرصه‌های نبرد و اینک در بازسازی، ارج می‌نهد و انتظار دارد که شورای امنیت سازمان ملل متحد به رسالت اصلی خویش در پیشگیری از وقوع چنین حوادثی عمل کند و مانع گسترش جنگ و خونریزی و خرابی باشد.

نهضت آزادی ایران نیروی مقاومت حزب الله و دولت و ملت لبنان را در عرصه سیاسی پیروز جنگ اخیر ارزیابی می‌کند. در عرصه نظامی، اگر چه این جنگ نابرابر پیروز واقعی نداشته است، ارتش مجهز اسرائیل به رغم حمایت های بی دریغ آمریکا و سایر هم پیمانان در اجرای برنامه‌هایش ناکام بوده است.

از سوی دیگر، نیروهای حزب الله، هماهنگ با دولت و مردم لبنان، با مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم اسرائیل از حیثیت خودشان، ملت لبنان و همه ملت های مسلمان و عرب به ویژه در منطقه، دفاع کرده و تحولی شگرف در مناسبات سیاسی و نظامی منطقه پدید آورده اند.

**نهضت آزادی ایران**، بر این باور است که به دنبال محکوم شدن اسرائیل در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، پرونده جنایات جنگی و نسل کشی اسرائیل در لبنان و فلسطین باید به دادگاه کیفری بین المللی ارجاع شود.

**نهضت آزادی ایران**، امیدوار است که حزب الله لبنان نیز با بهره گیری کامل از هوشیاری و تدبیر سیاسی بر اهمیت فعالیت برنامه ریزی شده و نظام مند در چارچوب حاکمیت دولت لبنان کماکان پایبند بماند.

**نهضت آزادی ایران**، مقاومت اخیر لبنان را زنده کننده خاطره پایداری و فداکاریهای مجاهدان رشید و فروتن از کشورمان، چون امام موسی صدر و شهید دکتر مصطفی چمران، که در شبهای تاریک سالهای دور آن دیار خوش درخشیدند و راههای صبر و تلاش و پیروزی را به آیندگان و روندگان نشان دادند، می دادند... یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد.

**نهضت آزادی ایران**